

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی  
• معاون سردبیر: مهرداد خدیری • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ)  
• سمیه متقی (سیاست)، الهه ابراهیمی (خبر)، آرش خاموشی (عکس)، هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)، مدیر هنری: مهدی قربانی نیگار، حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی  
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷  
• نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میم • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲

## مردم آخرین مقصد



علی ورامینی

دبیر گروه فرهنگ

از وقتی خبر متواری شدن صاحب کوروش کمپانی و تخلیه دفترش آمده است، عده‌ای، مردم یا همان‌هایی را که به سودای آیفون نصف قیمت به‌سمت کوروش کمپانی رفتند، تخطئه می‌کنند. ساده‌ترین کار هم همین است؛ اینکه بگوییم «شماها احمق بودید»، اینکه «فلان سلبریتی را پسر و مادرش هم کردن نمی‌گیرند، شما چطور به حرفش اعتماد کردید؟» و امثال چنین حرف‌هایی. بعد هم زُست بگیریم که ما از شما بیشتر می‌فهمیم و اسیر موج حرص و طمع نشدیم. در وضعیتی که ۱۰۰ هزار نفر، فعلی را انجام داده‌اند، واضح است که هزار نفر دیگر، مردم می‌شود و مردم در خلا به‌وجود نمی‌آیند. در کشوری که دولت به‌معنای عام آن، در تمام ساحت‌های زندگی دخل و تصرف دارد، مردم حتماً کمترین تقصیر را دارند. چنین دولت بزرگ و عمیقی قطعاً خیلی پیش‌تر از اینها متوجه شده که یک پانزی بزرگ در بیخ گوشش در حال رخ‌دادن است. پانزی، اصطلاحی است که به کلاهبرداری‌هایی مثل کوروش کمپانی گفته می‌شود؛ وعده سودهای بسیار زیاد، بدون کار و در سریع‌ترین زمان. همان چیزی که کوروش کمپانی می‌گفت و گوشه آیفون را به نصف قیمت و حتی کمتر به دست مردم می‌رساند. بیخ گوش دولت، این اتفاق در حال رخ‌دادن بود چرا که همان زمانی که بعضی چهره‌های معروف در حال تبلیغ این شرکت بودند، متخصصانی هم داد می‌زدند که این جریان، کلاهبرداری است و حساب و کتابش با هم نمی‌خواند. این همان گریه‌نره و رویاه‌مکاری است که پینوکو را مجاب کردند سکه بکار تا درخت سکه بردارد، اما گوش شنوایی نبود. نبود تا ۲ هزار میلیارد پول جمع شد و رویاه مکار، متواری شد.

در این میان آخرین کسانی که مستوجب ملامت‌اند، مردم مالباخته هستند. شما وقتی با مفهومی به‌نام مردم و نه یک فرد سروکار دارید، یعنی یک برساخته اجتماعی، یعنی دیگر در هر وضعیتی این مردم، آخرین مسبب آن هستند. در جریان پانزی کوروش کمپانی، مسائل بسیاری دست‌به‌دست هم می‌دهند که ۱۰۰ هزار نفر را به‌سمت هزینه کردن ۲۰ میلیون تومانی می‌برد. صاحب کوروش کمپانی هم این وضعیت را درک و نهایت استفاده خود را کرد و رفت. وضعیت و وضعیتی که در آن دولت، وارد کردن آیفون را از سوی غیرمجاز می‌کنند و آن را به مجرای قاچاق سوق می‌دهند؛ نه شرکت معتبر می‌تواند فروش آن را به‌عهده بگیرد، نه نمایندگی معتبری دارد. وضعیتی که در آن جوان ایرانی از سوی با‌شعار مرگ بر آمریکا، ساده‌زیستی و تحریم کالای آمریکایی روبرو است و از سوی دیگر مدام به او می‌گویند: «بدون آیفون یک چیزی کم داری و ناقصی». وقتی می‌بینید همان وکیل و وزیر که با با‌شعار مرگ بر آمریکا به وزارت و وکالت رسیده، بچه‌هایش در آمریکای شمالی هستند یا می‌خواهند بروند و با گوشه آیفون یا بچه‌های مهاجرش صحبت می‌کنند، می‌خواهید که جوان ایرانی سودای گوشه آیفون آمریکایی نداشته باشد؟ در این میان بر خورداران که یا از نمایندگی دومی و ترکیه گوشه خود را می‌خرند یا اینجا، نقد و بالفور تا ورژن جدیدش وارد می‌شود، قبلی را می‌دهند و جدید را می‌گیرند. آن جوانی سراسر کوروش کمپانی می‌رود که هم می‌خواهد آیفون داشته باشد، هم نمی‌تواند و بهترین طعمه می‌شود برای طماعی چون کوروش کمپانی با آن مرد و زنی که به سودای کمی پول زیاد و سریع، در این بازار مکاره می‌خواهد از تورم عقب نیفتد و در موقعیت اجتماعی‌ای نیست که اسم پانزی را شنیده باشد یا فضایی را برای سرمایه‌گذاری بشناسد. وقتی با مردم طرف هستیم و نه فرد، یعنی با جماعتی این چنین طریقی‌دومی توانیم بگوییم فلائی چون طماع و حرصی بود، چنان کرد و چنین.

اما بعد از دولت، متهم اصلی آن چهره‌های آشنا برای مردم هستند. همان‌ها که حرص و آز را باید میان آنها پیگیری کرد. آنها که از مزایای مشهوربودن استفاده می‌کنند بی‌آنکه لحظه‌ای به مسئولیت خود در برابر این شهرت بیاندیشند. تنظیم‌گر هم که دغدغه‌های دیگری دارد؛ اول اینکه خدای ناکرده سلبریتی، عکس و مطلبی کمی یا فاصله از چارچوب‌های‌شان نداشته باشد و دیگر اینکه، چطور در درآمد اینان در شبکه اجتماعی که فیلترش کردند شریک شوند. نفس قانون، یعنی دفاع از مردم ضعیف در برابر ظلم، طبیعی است که مردم با روایت‌های دروغین و فن‌های کلاهبرداری و استفاده از چهره‌های معروف برای بسط این روایت، اسیر کلاهبرداری پانزی شوند اما طبیعی نیست دولتی که به‌اسم قانون در همه ابعاد زندگی وجود دارد در برابر این وضعیت عینی پانزی و جرم مشهود، سوت‌زنان بگذرد تا کار از دست برود.



## رویا فروشی تو خالی

## درباره کلاهبرداری کوروش کمپانی از خریداران تلفن همراه که با تبلیغات گسترده سلبریتی‌ها همراه بود



سپهر خرمی

خبرنگار گروه فناوری

دعوی مدنی و حقوقی شکل بگیرد. اما اگر قصد داریم وارد حقوق کیفری شویم، باید بگوییم کلاهبرداری صورت گرفته است. کلاهبرداری یعنی من نوعی، یک مانور متقلبانه انجام داده‌ام. در واقع به این معنا که من روی موضوعی تبلیغ کرده‌ام که در توان و صلاحیت‌ام نیست و با فریب افراد، به پول رسیده‌ام. سوالی اینجا مطرح می‌شود. با این توضیح که باید بررسی شود، این شرکت در جوازش چه نکاتی مطرح شده است. به‌طور مثال در جوازش گفته که پول را می‌گیرد و سه‌ماه بعد تحویل می‌دهد یا خیر؟

## ▼ سلبریتی‌های همراه با همراه؟

یکی از مواردی که طی دو، سه روز اخیر در شبکه‌های اجتماعی مطرح شده، انتشار سلبریتی‌ها، ورزشکاران و هنرمندانی است که برای شرکت کوروش کمپانی تبلیغ کرده‌اند. در واقع بسیاری از مردم با توجه به احترام و علاقه‌ای که به افراد مشهور از جمله فوتبالیست و بازیگر دارند، اعتماد کردند تا چنین موضوعی برای‌شان پیش بیاید. افراد مشهوری که برای شرکت کوروش کمپانی تبلیغ کردند، عبارت‌اند از: محسن افشانی، هادی چوپان، احمد ایراندوست، شاهین صمدپور، علیرضا بیرانوند، فاطمه گودرزی، محسن ابراهیم‌زاده، حسن ریوندی، محمد عمری، نوشا ضیغمی، سیدجواد هاشمی، بهرنگ علوی، هادی ساعی، حسین کنعانی‌زادگان، الهام پناه‌زاد، الهام حمیدی، یوسف تیموری، حمید لولایی و...». بعد از افشای متواری شدن مالک اصلی این شرکت، اما برخی سلبریتی‌ها سعی کردند سکوت کنند. برخی دیگر واکنش نشان دادند و عذرخواهی کردند اما یکی از بازیگران به‌اسم افشانی، واکنش عجیبی داشت. افشانی که چندین ماه پیش با انتشار یک پست تبلیغاتی اعلام کرده بود برای حمایت از چند نفر که موبایل آیفون را ۲۰ میلیون زیر قیمت می‌دهند این پست را منتشر کرده و تأسف خورده بود برای افراد حسودی که قصد زدن این شرکت را دارند، حالا با انتشار یک پست دیگر در صفحه اینستاگرامی خود به مردم حمله کرده که مشکلات خودتان است که به وعده فروش موبایل ۲۰ میلیونی اعتماد کرده‌اید. از سوی دیگر اما الهام حمیدی با انتشار یک استوری در صفحه شخصی خود در اینستاگرام، از مردم عذرخواهی کرده و گفته، وقتی این تبلیغ را برای شرکت مذکور رفته، تمام تحقیقات لازم را به عمل آورده و تخلفی را مشاهده نکرده است.

اما آیا سلبریتی‌هایی که چنین تبلیغاتی را منتشر کردند، شریک جرم هستند یا خیر؟ و حید آگاه چنین پاسخ می‌دهد: «در خصوص اینکه برخی سلبریتی‌ها اقدام به تبلیغ در این زمینه کردند، باید به چند نکته توجه کنیم. برخی افراد ممکن است در یک ویدئو بگویند ما این شرکت را می‌شناسیم و از مردم بخواهند خرید کنند. وجه دیگر این است که یک هنرمند به شرکتی رفته و از آن عکسی گرفته و رفته است. این دو، صورت مختلفی دارد. نکته بعد این است که اگر تمام مجوزهای قانونی از سوی شرکت وجود داشته باشد، اگر بعدها این شرکت مذکور به تعهداتش عمل نکند، از دید بنده مسئولیتی با هنرمندی که تبلیغ کرده، نیست؛ مگر اینکه بگوییم آن شرکت مجوز و صلاحیت قانونی نداشته است. در این مورد به‌خصوص، هنرمند باید تحقیق می‌کرده است.»

## ▼ وضعیت فعلی پرونده

بعد از انتشار اخباری مبنی بر تعطیلی شرکت کوروش کمپانی و بسته‌شدن آن، اخباری در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که مالک این شرکت در یکی از هتل‌های کشور امارات در حال خوش گذرانی است. بسیاری نگران شدند که چطور می‌توانند به پول خود برسند. رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به اینکه متهم اصلی این پرونده قبل از تشکیل پرونده متواری شده است، عنوان کرد: «با اقدامات صورت گرفته، یکی از اعضای اصلی این شرکت بازداشت و دو نفر دیگر، تحت تعقیب هستند و با هماهنگی دستگاه قضایی تمام اموال متهم اصلی پرونده توقیف شد.»

## چهره

## جغد مینروای ادبیات ایران

۲۸ بهمن‌ماه ۱۲۸۱، در تهران به دنیا آمد. بسیاری او را اولین و بزرگ‌ترین نویسنده مدرن ایران می‌دانند و دیگرانی او را در کنار محمدعلی جمالزاده، صادق چوبک و بزرگ علوی، پدران داستان‌نویسی نوین ایرانی می‌دانند. همگی تا حد زیادی حق دارند. آنچه گفت، آنچه نوشت و آنچه انجام داد، همچنان در زمره مهم‌ترین میراث‌های ادبیات مدرن در ایران است. او در خلق روشنفکری ایرانی نیز نقشی ویژه داشت. همراه مجتبی مینوی، مسعود فرزاد و بزرگ علوی گروه رعبه را تشکیل داد؛ گروهی در برابر ادبای سبغه شامل بهار، یاسمی، اقبال آشتیانی، سعید نفیسی و... عموم مردم البته او را با «یوسف کور» به‌خاطر می‌آوردند، حتی اگر بیشتر آنها حوصله به پایان رساندن داستان خاص آن را نداشته باشند. همین اثر از قضا مایه سوسه‌زنی دائمی به او نیز شد و بسیاری گمان بردند، آخر و عاقبت خواندن داستان‌های او، همانی است که آخر سر بر سر خودش آمد؛ خودش کشی. با این همه شیخ او همچنان چنان جغد مینروا بر فراز سر ما پرواز می‌کند.

\* استعاره‌ای از هگل برای کار فیلسوف و روشنفکر



## کتابخانه

## پیوند قدرت با اخلاق سیاسی و اجتماعی

«هومو ساکر (قدرت حاکم و حیات برهنه)»، نوشته جورجو آگامبن، با ترجمه سیدمحمد سیدی در ۲۴۹ صفحه و با قیمت ۲۰۰ هزار تومان توسط نشر نو منتشر شده است. اندیشه جورجو آگامبن متکی بر تخصصی بی‌بدیل در عرصه سنت‌های کلاسیک فلسفه و بلاغت، دستورشناسی عهد باستان متأخر، الاهیات مسیحی و فلسفه مدرن است. اخیراً آگامبن اندیشه خود را به سوی تأسیس امر اجتماعی و برخی نتایج اخلاقی-سیاسی انضمامی در مورد وضعیت جامعه امروز و جایگاه فرد در آن معطوف کرده است. او در «هومو ساکر» در نظر دارد تا مسئله امکان ناب و بالقوه‌ی قدرت را با مسئله اخلاق سیاسی و اجتماعی در بستری به هم متصل کند که در آن مسئله مزبور بنیاد دینی و متافیزیکی و فرهنگی سابق خود را از دست داده است. او با تکیه بر تحلیل فوکو از زیست‌سیاست، دست به پژوهشی گسترده و عمیق و دقیق می‌زند در مورد حضور ضمنی یا نهفته تصور زیست‌سیاست در تاریخ نظریه سیاسی سنتی.



هومو ساکر

نویسنده: جورجو آگامبن

مترجم:

سیدمحمد جواد سیدی

انتشارات: نشر نو

## تاریخ

## آغاز سرشماری نفوس ایران



اداره ثبت احوال کشور در سال ۱۲۹۷ شمسی به‌منظور ثبت وقایع چهارگانه (تولد، وفات، ازدواج و طلاق) تاسیس شد. با ثبت این اطلاعات، ضرورت اطلاع از جمعیت کشور و تعیین سازمانی که به جمع‌آوری این اطلاعات بپردازد مورد توجه قرار گرفت و منجر به آن شد که در سال ۱۳۰۳ آیین‌نامه‌ای به تصویب برسد و در این آیین‌نامه اداره‌ای مسئول آمار و وظایف آن مشخص شود. براساس این مصوبه، مسئولیت جمع‌آوری و متمرکز کردن آمارهای مورد نیاز به‌عهده وزارت کشور گذاشته شد. در خردادماه سال ۱۳۱۸ اولین قانون سرشماری در مجلس شورای ملی تصویب شد. ۲۸ بهمن سال ۱۳۱۹ نیز سرشماری از نفوس ایران آغاز شد و نتایج آن دوازده روز بعد در روزنامه‌ها انتشار یافت. اطلاعات مربوط نشان می‌داد که جمعیت ایران در آن سال ۱۸ میلیون و ۳۳۹ هزار نفر بود. طبق این اطلاعیه، در شهر تهران ۵۴۰ هزار نفر زندگی می‌کردند. نتایج این سرشماری، دولت وقت را نگران افزایش جمعیت تهران کرد و تصمیم به تدوین ضوابطی برای محدود کردن مهاجرت به تهران گرفت. اشغال نظامی ایران در شهریورماه ۱۳۲۰، اما این برنامه را متوقف کرد.